یادداشت

فاصله‌گذاری اجتماعی یا فیزیکی، مقصود کدام است؟

نفیسه کرمی
دانشجوی دکترای علوم ارتباطات

بشر اکنون با پاندومی جدیدی از خانواده کرونا روبروست، این ویروس که کووید ۱۹ نامگذاری شده با توانایی زنده ماندن برای مدتی بسیار طولانی‌تر از انواع دیگر ویروس‌ها با سرعت انتشار باورنکردنی، این روزها برای زندگی انسان‌ها دردسرساز شده است.

کووید ۱۹ در کنار آسیب‌های جسمی و پزشکی، تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سبک زندگی و نیز مخاطرات اقتصادی بسیاری را نیز به کشورها و شهروندان تحمیل نموده است.

بطوریکه راه‌های مقابله با چالش‌ها و مخاطرات این ویروس کمتر شناخته شده در دستور کار دپارتمان‌های تخصصی دنیا در حوزه‌های مختلف اقتصادی، پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است و پروتکل‌های جدیدی درخصوص دانسته‌های بهداشتی و درمانی به روز دنیا تدوین و بسیاری از پروتکل‌های پیشین نیز به‌روزرسانی شده‌اند. همچنین تلاش برای یافتن واکسن این ویروس منحوس در کشورهای توسعه یافته تبدیل به مسابقه‌ای شده که هنوز برنده آن مشخص نیست.

اما آن چیزی که مردم جوامع را در کنار فشارهای اقتصادی ناشی از پیامدهای این ویروس آزار میدهد، عدم امکان ارتباطات اجتماعی مرسوم میان افراد است.

برای رفع این مشکل پیشنهادات، توصیه ها و مطالب زیادی اعم از پزشکی، اجتماعی و فرهنگی طرح ،تبلیغ و ترویج می‌شود.

بطوریکه در حوزه ارتباطات و رفتاراجتماعی اصطلاحی در سطح جامعه با عنوان «فاصله‌گذاری اجتماعی» مطرح شده است. از آنجایی که مشخص نیست این اصطلاح برآیند تفکر جمعی یا یافته کدام گروه تخصصی بوده، اما می‌توان امید داشت که این طرح با هدف خاصی طراحی و مطرح نشده باشد چون بار معنایی این اصطلاح پیامدهای رفتاری و اجتماعی نامطلوبی را در بردارد.

در تعریف «فاصله اجتماعی» چنین گفته می‌شود که فاصله اجتماعی به تفاوت میان گروه‌های اجتماعی در یک جامعه بر اساس برخی از مولفه‌های از پیش تعیین شده و قابل اندازه‌گیری اطلاق می‌شود. مفهوم این اصطلاح، ارتباطی به فاصله مکانی ندارد.

این اصطلاح به تفاوت‌ها در طبقات اجتماعی، نژاد، قومیت، جنسیت و تفاوت‌هایی از این دست اشاره دارد.

در واقع «فاصله اجتماعی» رفتار مشارکتی و درک همدلی را توصیف می‌کند که بین افراد وجود دارد. اما در طرح «فاصله‌گذاری اجتماعی» و پس از آن «فاصله‌گذاری هوشمند اجتماعی» این اصطلاح و اضافه شدن کلمه «هوشمند»، مخاطب را درخصوص هدفمند بودن انتخاب این عنوان حساس‌تر می‌کند.

حال با این توضیحات به نظر می‌رسد، طرح عنوان «فاصله‌گذاری اجتماعی» و تبلیغ گسترده آن در سطح جامعه درست و منطقی نبوده و برای گزینش و انتخاب اصطلاحاتی که مفهوم مورد نظر واضعان را برساند، لازم است تحقیق و تدبیر بیشتری صورت گیرد.

آقایان مسئول لطفا اندکی با حوصله، تحقیق، درک معنا و شناخت بیشتر جایگاه اصطلاحات، واژه‌سازی و تبلیغ کنید. هر آنچه که در جامعه اروپایی و غربی طرح می‌شود الزاما کاربرد داخلی نداشته و نیازمند بومی‌سازی می‌باشد.

به نظر می‌رسد بجای استفاده از اصطلاح «فاصله‌گذاری اجتماعی»، استفاده از اصطلاح «فاصله‌گذاری فیزیکی» نزدیک‌تر به مقصود باشد، چراکه فاصله اجتماعی، باعث از بین رفتن همدلی و وفاق اجتماعی می‌شود، بحرانی که مسلما یکی از اصلی‌ترین پیامدهای دوران پسا کرونا خواهد بود.

خبر

سرا – هالابا ابزاری برای یافتن عدالت

مردم هالابا دارای سیستم قضایی خاص خود به نام Sera هستند که به معنای اصول، قانون و مقررات است و در جامعه آنها کلیه مسائل فرهنگی، اجتماعی و شرایط زندگی توسط این سیستم هدایت میشود. برای ترویج این سنت، مردم هر سال در ماه ژانویه با پوشیدن لباس‌های رنگارنگ Sera را جشن گرفته و پس از آن کشاورزان برداشت محصول را انجام می‌دهند.

از اطلاعات به دست آمده از اداره فرهنگ و گردشگری منطقه هالابا، روزSera تعطیل بوده و فرصتی است که در جامعه باعث ایجاد وحدت، همبستگی و یکپارچگی شده و خود را به شکلی سازمان یافته نشان دهد. این سیستم به عنوان وسیله‌ای برای تقویت پیوندهای اجتماعی در بین مردم از طریق ارائه خدمات عادلانه حکمیت بین مردم در اختلافات بوده و گروه‌ها و اشخاص در هنگام بروز درگیری‌ها و اختلافات بر اساس اصول آیینی آن عمل می‌کنند و این باعث حل شدن مشکلات فیمابین می‌شود و همه به این سیستم اعتماد داشته و بر اساس احکام آن عمل می‌کنند.

در این سیستم اگر شخصی مرتکب جرمی شود و اگر پرونده برای حل و فصل به دادرس هالابا ارائه شود، واقعیت‌ها بدون اکراه به طرفین ارائه می‌شود. از این رو، در این راه آنها در جستجوی عدالت برای فرد آسیب دیده وقت، هزینه و انرژی خود را تلف نمی‌کنند و این باعث شده تا اتهامات دروغین نسبت به یکدیگر کاهش یابد.

ژانرشناسی شبکه‌های اجتماعی

اینستاگرام و توئیتر چه می‌کنند؟

سید امیرحسین حسینی،
نویسنده و پژوهشگر سواد رسانه‌ای

با شنیدن نام رسانه معمولاً ما آن را به عنوان رسانه‌ی ارتباط جمعی می‌شناسیم. یعنی ابزارهایی که تعامل و ارتباط ما با خیل کثیری از مردم را برقرار می‌کند؛ نظیر تلویزیون، رادیو، سینما، روزنامه، مجله و...

ظهور پدیده‌ای به نام اینترنت، موجب پیشرفت و تحول عظیمی در حوزه‌ی فناوری و وسایل ارتباط جمعی، از جمله پیدایش فضای مجازی و نوع جدیدی از رسانه به نام رسانه‌های دیجیتال شد.

این تحولات به سرعت ادامه یافت تا جایی که امروز ما تحول جدیدی با عنوان انسان، رسانه را شاهد هستیم، یعنی انسان‌هایی که همه چیز را در رسانه می‌بینند و از نگاه رسانه‌ای همه چیز را مورد بررسی و تأمل قرار می‌دهند. این افراد انسان‌هایی هستند که به وسیله‌ی این تکنولوژی می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند و موج ایجاد کنند، البته این امر نیازمند درک و توانایی تحلیل داده‌های رسانه است.

اگر ما به دنبال فعالیت رسانه‌ای هستیم، باید بیشتر از هر چیزی به اثرگذاری توجه نمائیم در غیر این صورت فعالیت رسانه‌ای ما ناقص و بیهوده است بر همین اساس مسئله و درگیری ما در رسانه، بر سر اثرگذاری و مؤثر واقع شدن است اما مشکل اینجاست که ما اغلب در استفاده از رسانه و فعالیت در آن بهره وری پایینی داریم. بهره وری، یعنی کار خوب را به خوبی انجام دادن. پس خوب‌تر این است که بهترین کار ممکن را شناسایی و در جهت مثبت آن را انجام دهیم.

یکی از بهترین کارهای ممکن برای اثرگذاری در جامعه، کار در رسانه‌های اجتماعی است؛ شبکه‌های اجتماعی، مقیاس کوچکی از جامعه هستند، پس برای اثرگذاری در جامعه، باید به سراغ فعالیت در این شبکه‌ها برویم.

رسانه توانایی تغییر ذهنیت و نگرش افراد نسبت به یک پدیده را دارد، با تغییر نگاه و تفسیر فرد، نظام ارزشی او به آن پدیده هم تغییر می‌کند و تغییر نظام ارزشی جامعه، می‌تواند مشروعیت زدایی را به وجود آورد.

در چنین مواقعی است که نیاز به سواد رسانه‌ای به عنوان مقوله‌ای مهم و اساسی در مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای و هنگام ورود و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به خوبی احساس می‌شود.

اگر سواد رسانه‌ای نداشته باشیم، افرادی هستند که در فضای مجازی مطالب و عقایدی را برخلاف نظام اجتماعی منتشر می‌کنند و انرژی و موج این عقاید به متن جامعه منتقل می‌شود که نافرمانی‌های مدنی را به دنبال دارد، در واقع اگر ما سواد رسانه‌ای نداشته باشیم، امنیت ملی و مذهبی ما از این بی سوادی متأثر خواهد شد.

در فضای مجازی به راحتی می‌توان با توجه به مواردی که در ذیل گفته می‌شود عقاید و دیدگاه‌های افراد جامعه را به سمت و سوی مدنظر هدایت نمود و در زمان اندکی توجه افراد را معطوف به اهداف خود خواسته نمود؛

۱. شبکه سازی از جمله روش‌های القای عقاید است که داشتن شبکه، مساوی با داشتن قدرت نرم است.

۲. فرهنگ سازی، نیز در فضای مجازی توانایی تحمیل رفتار و عقاید را دارد؛ آن چیزی که ما در کف جامعه و در حوزه‌ی رفتارهای اجتماعی در بین مردم می‌بینیم، تأثیر منطقی و روالی عادی است که مبتنی بر فضای مجازی بر ذهن افراد نشسته و تبدیل به نوعی فرهنگ شده است.

۳. جریان سازی، در فضای مجازی می‌تواند همه خلاءها و کمبودهای دنیای حقیقی را برای افراد پر کند.

۴. گردش آزاد اطلاعات، در فضای مجازی و بحث اعتیاد به اینترنت، تا حدود زیادی توانسته به این امر کمک کند و در فرآیند گردش آزاد اطلاعات، با انواع تنوع‌ها، ایده آل ها و ... مواجه هستیم.

۵. فضای مجازی بر شکل گیری خصلت‌های اساسی و الگوهای ارزشی در میان اعضای خانواده تاثیر می‌گذارد.

۶. در فضای مجازی به خوبی می‌توان فقدان یکپارچگی حسی را مشاهده کرد، در حالت طبیعی اطلاعات حواس باید به صورت هماهنگ به مغز ارسال و پردازش شود؛ اما در استفاده بی رویه از فضای مجازی دو حس اصلی ما که بیشتر درگیر هستند (شنوایی و بینایی) و به مقدار مختصر لامسه ضعیف می‌شوند.

همچنین هویت افراد متأثر از فضای مجازی است، افرادی که دو اکانت یا بیشتر در فضای مجازی دارند، باید مراقب دو تکه شدن مغز خود باشند.

۷. اعتیاد به اینترنت نیز از جمله مضرات این فضا می‌باشد به طوری که گاهی مشکلات عدیده‌ای را برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد، بر اساس تحقیقات انجام شده ۸۰ درصد ایرانی‌ها در بازه‌ی زمانی ۸ شب تا ۱۲ شب آنلاین هستند و همین موضوع می‌تواند علتی برای از هم پاشیدن و یا سست شدن بنیان خانواده و از بین رفتن صمیمیت و عاطفه در بین اعضا باشد.

در فضای مجازی اکثراً افراد احساس ناکامی می‌نمایند و تصور اینکه شادکامی متعلق به دیگران است آنها را سرخورده و افسرده می‌نماید که البته این احساس بیشتر در اینستاگرام اتفاق می‌افتد زیرا برخی کاربران اینستاگرامی با انتشار تصاویر لاکچری و ایده آل از زندگی و روزمره‌گی های خود به مخاطب این القا را می‌نمایند که زندگی‌هایشان سرشار از خوشی و در رفاه کامل است و ناشی از آن است که ما در این فضا، دائم با پیام‌های ایده آل و شادی روبرو هستیم که شرایط و واقعیت‌های پشت آن را نمی‌بینیم.

به همین خاطر رسانه به راحتی می‌تواند عاطفه و هیجانات افراد را متأثر از خود نماید.

جذابیت شبکه‌های اجتماعی مجازی و سهولت فعالیت و استفاده از آن سبب تغییرات سبک زندگی به عنوان موضوعی مهم و جدی مطرح می‌شود که مستلزم یادگیری و سواد رسانه‌ای پیش از ورود به این فضا و درگیری با ابعاد مختلف آن است.

شبکه‌های اجتماعی برای بسیاری از کاربران، به خصوص نسل امروزی که به طور کامل و مداوم از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی با یکدیگر در تعامل و ارتباط هستند نه فقط راهی برای برقراری تماس، بلکه یک روش و سبک زندگی محسوب می‌شود و توانسته شیوه و سبک زندگی بسیاری از کاربران این شبکه‌ها را تغییر دهد. زیرا این شبکه‌ها صرفاً انتقال‌دهنده پیام نیستند؛ بلکه یک فضای جدید و مدرن برای زیستن می‌باشند.

بسیاری از رفتارهای کاربران متأثر از این فضا می‌باشد این شبکه‌ها می‌توانند بر ادبیات گفتاری افراد جامعه تأثیر بگذارند، نحوه‌ی پوشش و نوع برخورد با جنس مخالف را تغییر دهند و اعتقادات افراد را دگرگون نمایند. کاربران به راحتی می‌توانند از این شبکه‌ها برای بیان رویدادهای مختلف زندگی خود، خاطرات، موقعیت اجتماعی، حالات روحی و مواردی نظیر اینها استفاده نمایند و یا به وسیله‌ی اشتراک گذاری افکار و عقایدشان با دیگران به گفتگو و تعامل بپردازند و به این صورت احساسات گوناگون خود را در زمان‌های متفاوت به شیوه‌ای تخلیه کنند.

بر همین اساس می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی مانند دیگر دست آورده‌ای جدید فناوری، دارای مزایای زیادی در زمینه‌های گوناگون همچون ارتقای سطح آموزش، پژوهش و اطلاع‌رسانی و تبلیغات و... است، ولی در عین حال نیز تهدیدات و مشکلات عدیده‌ای را به همراه دارد. پس باید توجه داشته باشیم که با بالا بردن درک و سواد رسانه‌ای بر استفاده عاقلانه، تحلیل‌گرانه و آسیب‌شناسانه از این فناوری ارزشمند بکوشیم و به بیان دیگر با فرهنگ‌سازی، ترویج کاربردهای مفید و مثبت این شبکه‌ها، آگاه‌سازی و هشدار نسبت به کاربردهای مخرب، آسیب زا و منفی این شبکه‌ها، فرصت‌های این فضا را افزایش و تهدیدهای آن را کاهش دهیم.

مردم بسیاری در سنین مختلف از کاربران شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام و توئیتر هستند نقش این شبکه‌ها در تعاملات و ارتباطات انسانی نقشی غیرقابل انکار، مهم و مؤثر می‌باشد. اگر شبکه‌های اجتماعی همسو با شرایط فرهنگی و بومی خودمان راه اندازی شود، می‌تواند مفیدتر و تأثیرگذارتر باشد زیرا بسیاری از مباحث و اطلاعاتی که در «فیس بوک» و «توئیتر» رد و بدل می‌شود، مغایر با فرهنگ دینی، اخلاقی، اسلامی و ایرانی ما می‌باشد و می‌تواند تهدیدی برای باورهای دینی، مذهبی و اعتقادی مردم ما که تربیت شده ی فرهنگ اسلامی هستند، محسوب شود، بدون شک یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به هدف تعالی در پاسداشت ارزش‌ها و حفظ بنیان خانواده، آموزش‌های مفید و مؤثر در این زمینه به تمامی گروه‌های سنی است که قبل از ورود به دنیای بزرگ و پیچیده مجازی باید به آن توجه ویژه‌ای شود.

در فضای مجازی فرهنگ سرای سرو منتشر می شود :

نمایش های رادیویی « کرونا جونم میخوام برات زن بگیرم» و «اگه کرونایی هستی یه فوت کن»

پادکست صوتی نمایش های رادیویی « کرونا جونم میخوام برات زن بگیرم» و «اگه کرونایی هستی یه فوت کن» در فضای مجازی فرهنگ سرای سرو منتشر می شود .

به گزارش امتیاز، دبیر کانون فرهنگی هنری ویدار فرهنگسرای سرو و تهیه کننده نمایش های رادیویی، شهرام صدیق ، ضمن اعلام این خبر افزود : کانون فرهنگی هنری ویدار فرهنگ سرای سرو با هدف بسترسازی برای علاقمندان به هنر به ویژه هنر گویندگی و اجرا و تهیه آثار فرهنگی در قالب بسته های صوتی در حال ضبط نمایش های جدید رادیویی می باشد که هر کدام از آنها با موضوعات مختلف برای مناسبت های مختلف به سفارش رادیو جوان و فرهنگ سرای سرو توسط نویسندگان، گویندگان و ادیتورهای این کانون ضبط و تولید می شوند.

وی ادامه داد : نمایش های طنز رادیویی « کرونا جونم میخوام برات زن بگیرم» و «اگه کرونایی هستی یه فوت کن»هم به تهیه کنندگی شهرام صدیق با توجه به شرایط کنونی مبارزه با ویروس کرونا در کشورمان و برای ایجاد روحیه و انرژی های خوب به مردم و مخاطبان عزیز تهیه شده اند

نمایش رادیویی طنز «کرونا جونم می خوام برات زن بگیرم» به تهیه کنندگی شهرام صدیق، نوشته مهدی محمدی و نقش آفرینی رضا احسانی و شهرام صدیق با تدوین بتول عباسی تهیه شده است

« و نمایش رادیویی طنز «اگه کرونا داری یه فوت کن نوشته فاطمه فراهانی و نقش آفرینی محمد کیقبادی و شهرام صدیق با تدوین بهاره شاه محمدی تهیه شده است.

این تهیه کننده ی رادیویی تأکید کرد: در حال حاضر کانون هنری ویدار فرهنگسرای سرو با توجه و بهره گیری از اعضای هنرمند علاقمند و توانمند خود شامل گروه نویسندگان، گویندگان و ادیتورهای علاقمند و توانمند توانسته است به تولید آثار جدیدی در زمینه های مختلف برنامه های رادیویی، پادکست های صوتی، کتاب

های صوتی و دوبله فیلم و انیمیشن بپردازد و موفقیت های خوبی در این عرصه کسب نموده است که در نوع خود قابل تأمل است.

علاقه‌مندان برای دریافت این نمایشنامه می توانند به اینستاگرام farhangsara_sarv@ فرهنگ‌سرای سرو مراجعه کنند و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۸۸۸۸۱۸۷۹ تماس بگیرند.

امرِ شر زیر سایه اخلاق

چهارمین رمان مجتبا هوشیار محبوب اخیرا منتشر شده است؛ رمانی که نشان می‌دهد او فاصله قابل توجهی از نگاه پیشین‌اش به ادبیات داستانی و استراتژی‌های نوشتن رمان گرفته است. هوشیار محبوب در سه رمان پیشین‌اش یعنی «آقای مازنی و دلتنگی‌های پدرش»، «آن‌ها با شاعری که خیلی دوستش داشتند بد تا کردند» و «روزهای آبی، شبِ مکافات»، آثاری ضدژانر و ساختارگریز خلق کرد، حالا در «امارت شر» که انتشارات کتابسرای تندیس آن را منتشر کرده، به ادبیات ژانر روی آورده و رمانی در ژانر جنایی نوشته است. مسیری که او از «امارت شر» در آن گام گذاشته، در جلد بعدی این رمان که «خوابگردِ قاتل» نام دارد هم ادامه خواهد داشت؛ پرداختنِ قصه‌ای مبتنی بر ساختارهای رمان ژانر جنایی با این تفاوت که خلاف برخی آثار مشابه از این دست، صرفاً درصدد قصه‌تعریف‌کردن و سرگرم‌سازی نیست، خروجی چشمگیری پیش روی ما گذاشته است. او در این اثر، سرزمینی مجعول ساخته با ساکنانی که صوفیان نالی نام دارند و در این جغرافیای ساختگی اما آشنا، از کسانی حرف زده که نفوذی بلامنازع در ساختار قدرت دارند. «امارت شر» نوعی از زیبایی‌شناسیِ خشونت را به اجرا درآورده و با ادوات داستانی و در همراهیِ با یک پلیس به دل خانقاه زده است. با او درباره «امارت شر» و ادبیات داستانی ژانر گفت‌وگو کرده‌ایم.

شما را به عنوان رمان‌نویسی تجربی شناخته بودیم؛ نویسنده آثاری که از هنجارِ قصه‌محوری عبور می‌کردند و از همین رو بود که به طور مثال رمان اول‌تان، در نهمین دوره جایزه ادبی رمان متفاوت سال (واو) تحسین شد. مبتنی بر چه باوری به رمان ژانر روی آوردید؟

می‌دانید، یک جورهایی دارم وارونه راه می‌روم... پَس پَسکی انگار... «امارت شر» نسبت به کارهای قبلی با یک جور فاصله تحریر شده است... یک جور فاصله فکری ـ ماهوی... به زبان دیگر، «آقای مازنی...» یا «آن‌ها با شاعری...» ذیل ادبیاتی ضد ژانر، ساخت‌گریز و یک‌جورهایی نخبه‌گرایانه بررسی می‌شود که وقعِ چندانی به قصه نمی‌دهند. «امارت شر» برعکس به گمانم می‌تواند در جرگه آثارِ کلاسیک هم قرار بگیرد. این رمان یک کار ژانر است و به شدت قصه‌گو... منظورم این است که هدف این بوده... این‌که سراسر قصه باشد و اصلاً غیر این نمی‌توانست باشد. من نیاز به «قصه» داشتم، و بازنمایی جهانِ «امارت شر»...

«امارت شر» رمانیِ قصه‌گوست اما طرح و توطئه آن ساختار پیچیده‌ای دارد. چرا طرحی پیچیده ریختید؟

بگذارید به حساب ذهنِ داستان‌گوی تمامیت‌خواهم به وقتِ نوشتنِ «امارت شر»... خیلی چیزها را درش می‌خواستم... شاید باید بگویم از این جهت وزنه سنگینی بود که بهتر بود انتخاب نمی‌کردم. دست‌کم قبل از اظهار نظر خیلی از خواننده‌های کتاب این‌طور فکر می‌کردم. واقعیت این است که اگر نمی‌گفتند داستانِ پرکششی است خیلی احساس غبن می‌کردم.

داستان «امارت شر» در سرزمینی جعلی اتفاق می‌افتد. جایی که پایتختش، نیروان، در غرب کشور است وُ داستان از آنجا با پلیسی به نام شمس رودکناری آغاز می‌شود. محلِ مهمی است در داستان، اما مهم‌تر از آن، دی‌سرا است، ایالتی که در شمال غرب کشور است و جماعتی به نام صوفیان نالی که در سیاست و قدرت کشور نفوذ بسیار دارند، در آنجا زندگی می‌کنند. فارغ از اینکه نمی‌توان حالا داستان را برای مخاطب لو داد، باید بگویم طرحِ پیچیده داستان طوری است که اصلاً نمی‌شود در چند خط بازگویش کرد. مثلا اگر بگویم جنایت‌های وحشتناکی می‌شود که شمس باید قاتل‌شان را پیدا کند یک جورهایی خیلی خلاصه‌اش کردم.

چیزی که برایم مهم بود، و به وقت تحریرِ جلد دوم این کتاب یعنی «خوابگرد قاتل» هم مهم بوده، مسئله «قصه»، «تعلیق» و بازسازی جهانی ترسناک است که نمی‌خواهم اینجا درباره‌اش حرفی بزنم.

در «خوابگرد قاتل» نیز هم‌چنان طرحی پیچیده را خواهید پرداخت؟

ابتدا بگویم که به گمانم در جلد دومِ کار بیشتر محیط بودم روی اثر. برای همین از «زبان» داستان نسبت به «امارت شر» بیشتر راضی هستم. ضمن اینکه اگر اشتباه نکنم کاری با کشش و تعلیق بیشتر است. پلات جلد دوم بر خلاف «امارت شر» ساده است و تک خطی و یک امر شگفت است و همین غیرعادی بودنش مخاطب را بیشتر مجذوب خواهد کرد. با این توضیح که خوب نشسته است در فضای داستانی‌ای که پیشتر در «امارت شر» ساخته شده است. به نوعی طبیعی هم هست؛ من در جلد اول باید سرزمینی را ضمن خلقِ آن به مخاطب معرفی می‌کردم، و همین‌طور شخصیت‌های مهم داستان را. در «خوابگرد قاتل» نیازی نبوده یکسری حرف‌ها را تکرار کنم و این مجال بیشتری به من داد تا یکسره بروم سراغ داستانم، داستانی که به لحاظ طرح وُ توطئه هم پیچیده نبود. کاری که لازم بود بکنم این بود که یک امر غریب را در اجرا ملموس کنم.

راستی، چرا سرزمین مجعول؟

چون به لحاظ تماتیک شدیداً دستم را باز می‌گذاشت. نویسندگی در ایران، کارِ شاقی است. شاق‌تر از خیلی جاها. این تمهید اجازه داد بیشتر بتوانم ادای مسئولیت کنم نسبت به یکسری مفاهیم و مهم‌ترین‌شان هم امر شر بود. من اگر در این کتاب از امر شر نمی‌نوشتم بهتر بود یک خط هم ننویسم. مضمونِ محوری کار همین بود. و در شرایط عادی اصلاً نمی‌شود از امر شر نوشت. یعنی من بلد نیستم و خلاقیت آن را ندارم که در بستری واقعی و رئال از آن «شر» که نسبت به آن ذهنیت دارم حرف بزنم.

با این‌که به نظر می‌رسد باورهای شما در قصه‌نویسی به صورتی بنیادین تغییر کرده، اما علاقه‌مندی‌های ضمنیِ موجود در آثار تجربی پیشین‌تان، همچنان در «امارت شر» هم به عنوان قصه‌ای در ژانر جنایی هست. به طور مثال در «امارت شر» نگاه شما به مقوله عرفان، از همان زاویه دید است که در «آن‌ها با شاعری که خیلی دوستش داشتند بد تا کردند» بود. بنابراین به نظر می‌رسد در همین خانه‌تکانی اساسی، هنوز عناصر مهمی از پیش، در شما باقی است.

ببین در وهله اول، شعر و عرفان و بعد تا حدودی فلسفه قلمروهای مورد علاقه من است. طبیعی است که خواندن رمان یک امرِ دائمی و پیوسته است برای ما، اما جدای از این‌ها بیشترِ شعر می‌خوانم وُ متون عرفانی. قوت من اصلاً شعر است. همیشه این بوده. نام بردنی نیستند. زیادند. خیلی زیادند. واقعاً زبان فارسی به طرز عجیبی پر از شاعر خوب است. ما هم در عصر کلاسیک‌مان و هم در دوره معاصر فهرستِ بسیار مطولی می‌توانیم تهیه کنیم از شاعران خلاقِ عجیب. عرفان هم یک پای دیگر کتاب‌خوانیِ من است. خب همیشه یک چیزی هست که نمی‌گذارد خیلی از نثر کهن عرفانی‌مان دور شوم؛ و گمان می‌کنم شاعرانه‌ترین وجهِ ادبیات فارسی در همین نثر عرفانی ماست. یک کتاب مقالات شمس می‌تواند گواه این امر باشد. هر چند تا دل‌تان بخواهد نمونه است. خدا را شکر اگر کسی بخواهد این نمونه‌ها را بخواند آنتولوژی‌های خوب کم نیست. من بهترین چیزی که دیدم «سیبی و دو آینه» است؛ گزیده‌ای به اهتمام قاسم هاشمی‌نژاد فقید. نثر متون عرفانیِ برای من همیشهَ متحیر کننده بوده. ضمن اینکه احتمالاً متون عرفانی ما یکی از مهم‌ترین پایه‌های شناخت مردم سرزمین‌ما، خو و فرهنگ‌مان است.

فکر می‌کنم عرفانِ فارسی، صاحب دو ساحت است. از یک سو می‌توان قرائتی رحمانی از آن به دست داد و روی دیگر سکه نوعی سرکوب است. به نظر می‌آید که شما وجه دومِ را مد نظر قرار داده‌اید.

گفتم پیش از این که، محور این رمان از نظر تماتیک «امر شر» است. اگر بخواهم مسئله را در گزاره‌ای ساده عنوان کنم، آن مسئله این است که خیلی اوقات آمر شر کسی است که در مقام یک انسانِ جدی و اخلاق‌گرا ایستاده است. کسی که می‌خواهد مصلح باشد. این موضوع جلد دوم یعنی «خوابگرد قاتل» هم هست. من نمی‌توانم «امر شر» را امری انتزاعی و منحصر به یک‌سری آدم خاص بدانم. از همین روست که نشانه‌ام روی کسانی است که گمان می‌کنند در مقام اصلاح ایستاده‌اند... موضوع ساده است... تبختر و جدیت به گمانم احتمالاً با یک سقوط فرجام می‌یابد. او که به جد ادعای اصلاح دارد، علتِ فساد و جنایت می‌شود. یک جور نقیضه است انگار... چون به حقیقت یگانه اعتقاد دارد و تک ساحتی است. عرفانِ ما از این حیث موضوعِ خوبی است برای نوشتن...

واقعاً گمان می‌کنید یک عارفِ متبختر با توجه به آموزه‌هایش می‌تواند در مقام شر قرار بگیرد؟

امیدوارم اشتباه نکنم، اما تقریباً مطمئنم که اتفاق دور از ذهنی نیست. خصوصاً که مواردِ بسیاری در تاریخ عرفانِ فارسی هست که عارفانِ ما را در مقام یک سرکوبگر نمایش می‌دهد. مثلاً خواجه عبدالله که مقام بسیار بزرگی در میان مشایخ عهد کهن ما دارد، آنقدر مستبد بود که یک‌بار مریدانش را برای تبعید شیخی دیگر که آرایی دیگر و متفاوت داشت، گسیل کند.

یا حتا شمس که در مقالات خود به تنبیه سفت وُ سختِ بدنی یکی از شاگردانِ نوجوانش اعتراف می‌کند.

اخبار

از انتشارات هورخش،

انتشارات هورخش، کمیک «دوزخ ضحاک» را منتشر کرد

کمیک «دوزخ ضحاک» از سری رمان‌های گرافیکی انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» از سوی انتشارات هورخش منتشر شد.

به گزارش امتیاز، کیاوش جاهد پارسا نویسنده و تصویرگر این رمان گرافیکی است که با برداشتی آزاد از اساطیر کهن ایرانی نوشته و طراحی شده و اشکان رهگذر به عنوان مشاور در کنار این پروژه حضور داشته است.

در ابتدای این کتاب آمده است که؛ «ضحاک، سپه‌داری از سرزمین مردیسگرد، بعد از آنکه به ناحق بر تخت جمشیدشاه تکیه زد، با قیام کاوه‌ی آهنگر روبه‌رو شد و سپس آفریدون او را شکست داد. یزدان پاک به آفریدون فرمان داد تا از کوباندن گرز گاوسارش بر سر ضحاک و انتقام، دوری کند؛ او را به دماوندکوه ببرد و به زنجیر بکشد. چراکه با کشتن ضحاک سیاهی و تباهی در جهان ریشه می‌دواند و پایدار می‌شود. پس ضحاک در قلب مقدس دماوندکوه به اسارت کشیده شد.»

کمیک «دوزخ ضحاک» در ادامه انتشار رمان‌های گرافیکی پیرامون انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» بعد از مجموعه چهار جلدی «جمشید» و مجموعه دو جلدی «ارشیا» از سوی انتشارات هورخش منتشر می‌شود. اشکان رهگذر، نویسنده و کارگردان انیمیشن سینمایی «آخرین داستان»، نویسنده و سرپرست طراحان کمیک‌های قبلی «آخرین داستان» بود.

کیاوش جاهد پارسا فارغ التحصیل رشته تصویرسازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که پیش از این به عنوان طراحی کارکتر و استوری برد در ساخت انیمیشن سینمایی«آخرین داستان» همکاری داشته است. او پیش از این دو انیمیشن کوتاه «هفت پیکر» و «در امواج سند» را کارگردانی کرده است که انیمیشن کوتاه «در امواج سند» برنده بهترین انیمیشن کوتاه از اولین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کیش شده است. جاهد پارسا در حال حاضر سرپرست بخش کمیک در استودیو هورخش است.

رمان گرافیکی «دوزخ ضحاک» از سوی انتشارات هورخش در ۷۲ صفحه با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۸۰,۰۰۰ تومان منتشر شد.

چخوف یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان خارجی در ایران است

سلسله‌برنامه‌های یک‌هفته با چخوف امروز یکشنبه اول تیر، آغاز شد و به گفته مسئولان مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزارکننده این برنامه‌ها، همکاران روس این طرح از میزان استقبال ایرانیان از چخوف و آثارش شگفت‌زده شده‌اند.

در کنار برنامه‌های سخنرانی و پژوهشی این هفته، وادیم ولادیمیرویچ پالونسکی رئیس انستیتو ادبیات جهانی گورکی وابسته به آکادمی علوم روسیه هم به مناسبت هفته چخوف در ایران، پیامی صادر کرده است.

مشروح متن این پیام به شرح زیر است:

به مناسبت «یک هفته با چخوف» در ایران

خانم‌ها و آقایان محترم!

انستیتو ادبیات جهانی ماکسیم گورکی آکادمی علوم روسیه از مجموعه برنامه‌های فرهنگی با عنوان «یک هفته با چخوف» که به‌مناسبت ۱۶۰ مین سالروز تولد این نویسنده بزرگ در ایران برگزار می‌شود به‌گرمی استقبال می‌نماید. این برنامه را موسسه فرهنگی شهر کتاب ایران با همکاری بنیاد روسکی میر و با حضور و مشارکت نویسندگان و محققانی از ایران و روسیه و نیز اساتید و دانشجویان زبان روسی ایرانی برگزار می‌نماید.

شایان ذکر است که این ابتکار در تداوم همکاری‌های سازنده فرهنگی بین ایران و روسیه است که در چندسال گذشته در اشکال برنامه‌ها و مراسم مختلف متجلی شده است که از جمله آنها می‌توان از کنفرانس‌هایی برای بزرگداشت سعدی و پوشکین، ایوان بونین، لف تالستوی و فرهنگ شرق، برگزاری برنامه یک‌هفته با تالستوی در ایران، برنامه‌های ادبی در دانشگاه‌های مسکو، اتحادیه نویسندگان روسیه، بنیاد ماکسیم گورکی و نیز روزهای فرهنگی روسیه در ایران و برگزاری برنامه شبی با اساطیر شاهنامه که با حضور دیپلمات‌ها، ادیبان، فلاسفه و روزنامه‌نگاران در مسکو برگزار شد نام برد.

آنتون چخوف یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان خارجی در ایران است که در صد سال گذشته بیش از دو میلیون نسخه از آثار او در ایران منتشر شده است و نمایشنامه‌های او اغلب در این کشور بر روی صحنه بوده‌اند. این فراگیری و محبوبیت حاکی از چیست؟ شاید حاکی از این باشد که در آثار چخوف معنویت و مادیت، جاودانگی و روزمرگی از هم جدا نیستند و در اتحادی جدائی‌ناپذیر با هم قرار دارند. چخوف زندگی را در حد کمال خود، در یک‌جریان واحد که در آن امور عادی و متعالی و مسائل مهم و پیش پا افتاده در هم ادغام می‌شوند، بازآفرینی می‌کند. در سوژه‌های او ویژگی‌های حیاتی به شیوه‌ای شگفت فارغ از همه پیوندهای تاریخی و سیاسی توصیف می‌شوند. به لطف این ویژگی‌هاست که آثار چخوف برای خوانندگانی از فرهنگ‌های مختلف و متعلق به دوران‌های کاملاً متفاوت، ملموس و قابل فهم‌اند.

انستیتو ادبیات جهانی ماکسیم گورکی برای برنامه «یک هفته با چخوف» در ایران آروزی موفقیت دارد و اظهار امیدواری می‌کند که همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه فرهنگ سال به سال تداوم و گسترش یابد.

وادیم ولادیمیرویچ پالونسکی

رئیس انستیتو ادبیات جهانی ماکسیم گورکی و عضو ناظر آکادمی ملی علوم روسیه